با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

کسب امتیازات برای رتبه‌بندی آموزش و پرورش بسیار سخت است

با ۲۹سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش به‌عنوان دبیر علوم‌تجربی ناحیه ۵ مشـــهد، دارای مدرک فوق‌لیســـانس میکروبیولوژی از دانشگاه شهید بهشتی، حائز رتبه نهم المپیاد زیست‌شناسی دانشجویان کشور در سال ۱۳۸۰، مؤلف ۳کتاب کمک آموزشی مرتبط با تدریس با تأییدیه وزارت آموزش و پرورش، دارای ۳مقاله علمی، تهیه ۳۰جزوه کمک‌آموزشی برای دانش‌آمـــوزان، تهیه ۷۵۰صفحـــه راهنمای تدریس و ارزشیابی برای همکاران، رتبه اول همایش تحلیل محتوای کتب درسی (علوم‌تجربی) و ارائه پیشنهاد برای محتوای کتب درسی (۶مورد پیشنهاد که ۳مورد در کتب درسی اعمال شد) امتیاز ۷۰۰از ۱۰۰۰امتیاز آیین‌نامه شما کسب می‌کنم. حالا چگونه باقی همکاران می‌تواننـــد ۸۰۰ و ۹۰۰ بگیرند واقعا نمی‌دانم! با این ســـختگیری در امتیاز عمـــلا باید بی‌خیال رتبه‌بندی شویم و حرفی از حقوق و مشکلات معیشتی نزنیم. اما سؤال این است که خود مسئولان طراح این امتیازبندی از ۱۰۰۰امتیاز چند می‌گیرند؟ و اصلا این سختگیری دقیقا برای انجام نشدن رتبه‌بندی است؟

محمد احتشام از مشهد

نگهداری سرویس‌های بهداشتی شهرها فراموش شده است

نگهداری سرویس‌های بهداشتی شهری و بین راهی فراموش شده است و گویا فقط آنها را یک‌بار ساخته‌اند و تمام. بی‌شک وضعیت بهداشت این ســـرویس‌ها در سلامت کسانی که از آنها استفاده می‌کنند تأثیرگذار اســـت. جا دارد مسئولان شهری، راهداری و وزارت بهداشـــت فکری برای نگهداری سرویس‌های بهداشتی کنند.

رفعتی از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

اتباع خارجی در شهر کاشان از جمعیت شهر بیشتر شده‌اند

در کاشان که شـــهری تاریخی و نه چندان بزرگ است شمار اتباع خارجی که احیانا غیرمجاز هم هستند آن قدر زیادشده که ناخودآگاه احساس ناامنی را رقم می‌زند. بســـیاری از این افراد در بافت‌های فرسوده و حتی غیرقابل سکونت شهر ساکن شده‌اند و هیچ نظارت و کنترلی بر آنها نیست. مسئولان شهر هم مدام اظهار نگرانی می‌کنند بی‌آنکه کاری بکنند. لطفا آرامش را به کاشان بازگردانید.

مقدم‌فر از کاشان

دولت با اتصال حســـاب‌های بانکی به سامانه رصد دولتی موافقت کند

اتصال تمام حساب‌های بانکی مردم به سامانه رصد دولتی باعث می‌شـــود که دولت تراکنش‌های بانکی (همـــه) را رصد کند و فراریان مالیاتی به‌راحتی شناسایی شوند. همچنین نیازمندان واقعی شناسایی شوند و مثلا در موضوع یارانه و کمک‌معیشت سره از ناسره جدا شود اما خود دولت با این طرح مجلس مخالفت کرد!؟ تازمانی که دولت بر عملکرد اقتصادی افراد نظارت نکند، ثروتمندان همچنان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده یارانه کشور باقی می‌مانند و فقرای زیرخط فقر هرروز فقیرتر می‌شوند.

گودرزی از تهران

جاده بروجرد به نهاوند مملو از دست‌انداز

جاده بروجرد به نهاوند مملو از دست‌انداز و چاله‌هایی است که گود هستند و این در شأن ۲شهر گردشگرپذیر بروجرد و نهاوند نیست. لطفا مسئولان فکری بکنند.

گیتی‌جاه از بروجرد

سخنان مسئولان در مورد نظارت بر قیمت‌ها واقعی نیست!

بارها از تلویزیون شاهد این بوده‌ام که دولت اعلام کرده بر قیمت اجناس و اقـــلام خوراکی نظارت کامـــل دارد و جلوی افزایش قیمت‌ها را می‌گیرد و حتی در مواردی قیمت‌ها را مطابق سال قبل خواهد کرد! این سخنان در حالی است که ما به‌طور روزانه و سرسام‌آور شاهد افزایش قیمت‌ها در همه زمینه‌ها هستیم. تضاد بین گفته‌های مسئولان و قیمت‌های بازار، اعتماد مردم را نسبت به دولت از بین می‌برد.

شهروندی از تهران

پیام @
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

افزایش نرخ کرایه را باید روی ۲۵درصد می‌بستند

به هر حال با افزایش همـــه جانبه قیمت‌هـــا در همه کالاها و خدمات بدیهی است که قیمت کرایه هم افزایش یابد اما گذاشتن نوسان بین ۲۵ تا ۳۵درصد برای افزایش قیمت به‌دلیل نبود پول خرد و غیره دست برخی رانندگان را برای تخلف باز می‌گذارد. بهترین کار این بود سقف افزایش را روی ۲۵درصد می‌بستند.

صادقی از تهران

یارانه بگیرم اما یارانه معیشتی به من تعلق نمی‌گیرد

بازنشســـته‌ای با حداقل حقوق و ۴سر عائله هســـتم که یارانه ۴۵هزار تومانی به من تعلق می‌گیرد اما یارانه معیشتی و کمک معیشت ماه رمضان که تاکنون چندبار برای برخی افراد واریز شده به من تعلق نمی‌گیرد. پس این یارانه شامل کدام دسته از افراد است که به من یارانه‌بگیر هم تعلق نگرفته است.

شعبانی از کرج

افزایش حقوق‌ها فقط باعث افزایش قیمت‌هاست و بس

دولت‌ها هر قدر هم بر حقوق‌هـــا بیفزایند ثمری از آن عاید کل جامعه نخواهد شد، زیرا آنچه تاکنون دیده شده این است که قبل از افزایش حقوق و رسیدن آن به‌دست کارگر و کارمند قیمت‌ها چند برابر می‌شود در نتیجه کارمند و کارگر که هیچ، باقی مردم هم به گرد آن نمی‌رسند. فکر می‌کردیم روش این دولت فرق کند ولی همان روش دولت‌های قبلی است.

زارع رفیع از تهران

دولت خرید و فروش «سهام عدالت» را آزاد کند

چرا خرید و فروش سهام عدالت آزاد نیست؟ من یک بازنشسته هستم که به‌شـــدت به پول نیاز دارم اگر اجازه فروش سهامم را داشتم حداقل بخش کوچکی از مشکلم حل می‌شد.

طالب‌لو از تهران

باوساطت تیم صلح و سازش دادسرای جنایی تهران، خیرین و یک بازیگر زن، ۳زندانی صبح دیروز آزاد شدند

آزادی قاتل ناشنوا پس از ۲۴ سال

گزارش
الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

ماه‌ها تلاش و پیگیری تیم صلح و سازش دادسرای جنایی تهران، صبح دیروز نتیجـــه داد و ۳قاتل که هر کدام بیش از ۲۰سال در زندان به سر می‌بردند از مجازات قصاص رهایی یافته و از زندان آزاد شـــدند. یکی از آنها قاتلی کرولال بود که ۲۴سال پیش به جرم قتل زن همسایه دستگیر شد و به زندان افتاد در همه این مدت هرگز خانواده‌اش شناســـایی نشد و حتی یک نفر هم به ملاقاتش نرفت. به گزارش همشهری، ساعت ۱۰صبح دیروز ۳محکوم به قصاص از زندان رجایی‌شهر به دادسرای جنایی تهران انتقال یافتند تا آخرین تلاش‌ها از سوی تیم صلح و سازش دادسرا برای آزادی آنها از زندان انجام شود. تلاش‌های تیم صلح و سازش که با حضور خیرین و یکی از بازیگران مطرح زن صورت گرفته بود، مدتی قبل باعث شده بود که خانواده‌های مقتولان از قصاص گذشت کنند اما هر سه محکوم به‌دلیل عدم‌توانایی در پرداخت دیه، همچنان در زندان بودند. یکی از آنها قاتلی کرولال بود که از ۲۴ســـال قبل به اتهام قتل زن همسایه به زندان افتاده بود. او در جریان درگیری با زنی جوان جانش را گرفته و پس از دســـتگیری و محاکمه به قصاص محکوم شده بود. ۲محکوم به قصاص دیگر برادرزن و داماد بودند که ۲۸اســـفند سال ۷۹مردی آشنا را به قتل رسانده بودند. انگیزه آنها از قتل فرار از پرداخت بدهـــی ۲۵۰هزارتومانی بـــود. آنها قصد داشـــتند از مقتول دست‌نوشته‌ای بگیرند که ثابت کنند با وی تسویه‌حساب کرده‌اند اما زمانی که وارد خانه وی شده و با او درگیر شدند، طلبکار شروع کرد به فریادزدن و آنها از ترس اینکه همسایه‌ها باخبر شوند، او را به قتل رساندند. هر دو قاتل سپس قصد فرار از خانه مقتول را داشتند که همسایه‌ها مانعشان شده و دستگیر شدند. برادرزن و داماد، پس از اینکه به قصاص محکوم شدند، در این سال‌ها بارها پای چوبه دار رفتند اما هربار موفق شـــدند از اولیای دم مهلت بگیرند تا اینکه مدتی قبل اولیای دم حاضر شدند به شرط دریافت دیه، آنها را ببخشند. با وجود این آنها قادر به پرداخت مبلغ دیه نبودند و به این ترتیب بود که پای خیرین به میان کشیده شد.

پادرمیانی بازیگر معروف

در جلسه دیروز علاوه بر سرپرست دادسرای جنایی تهران، جمعی از خیرین، خانواده قاتلان و شـــقایق فراهانی بازیگـــر مطرح ســـینما و تلویزیون حضور داشتند. در ابتدا محمد شهریاری، سرپرست دادسرا گفت: نخســـتین محکومی که با تلاش تیم صلح و سازش، خیرین و بازیگـــر مطرح کشورمان با تامین مبلغ دیه آزاد می‌شود، مردی کر و لال است. او مردی مجهول‌الهویه اســـت که می‌گویـــد او را ناصر صدا می‌زنند و در زندان هم معروف به لالی شـــده است. او خانواده‌ای ندارد و در همه این سال‌ها که در زندان بود نیز تلاش‌ها برای پیدا کردن خانواده و بستگانش نتیجه‌ای نداشـــت. خودش می‌گوید وقتی کودک خردســـالی بوده خانواده‌اش در تصادف جانشان را از دســـت داده‌اند و حالا همه مـــا و خیرین خانواده او هســـتیم که امروز از اینکه او آزاد می‌شود خیلی خوشحالیم. سرپرست دادسرا سپس رو به مرد کرو لال کـــرده و از او می‌خواهد که احساســـش را بیان کند. زنی جوان که به زبان ناشـــنوایان مسلط است سؤال سرپرست دادسرا را از او می‌پرسد و وی جواب می‌دهد: آرزو داشـــتم اگر زنده ماندم و آزاد شدم به زیارت امام رضا بروم. اگر دستبند از دستانم باز شود و اینجا را ترک کنم می‌خواهم مســـتقیم به مشهد بروم. به‌گفته سرپرست دادســـرای جنایی تهران، با کمک خیرین قرار است مرد کرو لال پس از آزادی به مشهد منتقل شده و در کارخانه‌ای که متعلق به یک خیر است مشغول به‌کار شود. این مرد خیر حتی قرار است به او محلی برای خواب و استراحت هم بدهد. در ادامه سرباز زندان دستبند اتهام را از دستان این مرد باز می‌کند و خوشحالی در صورت مرد کرو لال موج می‌زند. هرچند صدایی نمی‌شنود اما به‌نظر می‌رسد که می‌داند همه درباره او صحبت می‌کنند. از جایش بلند می‌شود و به سمت در می‌رود و با گفتن این جمله که می‌خواهد هرچه ســـریع‌تر خودش را به مشهد برساند از اتاق خارج می‌شود. «۲محکوم دیگر فردی را ۲۱سال قبل به قتل رســـانده و از آن زمان تاکنون در زندان بودند». شهریاری با گفتن این جمله ادامه می‌دهد: خوشبختانه خانواده هردوی آنها در اینجا حضور دارنـــد و در این مدت تلاش زیـــادی کردند تا بتوانند آزادی آنها را ببینند. یکـــی از خیران قرار است آنها را که هیچ منبع درآمدی ندارد در مغازه‌ای مشغول به‌کار کند و یکی از ۲زندانی با شنیدن این خبر با ذوق و اشتیاق می‌گوید: من از ۵صبح در آنجا حاضر می‌شوم تا کار کنم و به خانواده‌ام خدمت کنم. سرپرست دادسرای جنایی تهران ادامه می‌دهد: قانون تکلیفی بردوش ما قضات گذاشته که در راستای صلح و سازش برای نجات زندانیان از قصاص تلاش کنیم. مخصوصا افرادی که ناخواسته مرتکب قتل شده‌اند و سال‌ها در زندان بوده و نادم و پشیمان هستند.

مکث

خواب راحت بعد از ۲۱سال

دیروز وقتی زندانی محکوم به قصاص که ۷۲ساله است دستبندش بازش شد و گفتند آزاد هستی دخترش به پای او افتاد و اشک شوق ریخت. او با گریه از خیرین تشـــکر کرد و گفت این لحظه فراموش‌نشدنی را مدیون زحمت‌های آنهاست. گفت‌وگو با این دختر را بخوانید.

زمانی که این ماجرا رخ داد، چند سال داشتی؟

۱۸سالم بود و تازه ازدواج کرده بودم.

فکر می‌کردی پدرت سرانجام آزاد شود؟

راستش یکی از بزرگ‌ترین آرزوهایم آزادی پدرم بود. آن روزها شرایط خوبی نداشتم. برادرم ۳ماه قبل‌ترش فوت شده بود و شرایط روحی نامناسبی داشتم. از طرفی کسی را هم نداشتم که کارهای پدرم را انجام بدهد، دو عمو داشتم که به‌خاطر کهولت سن فوت شده بودند. هیچ‌کسی را نداشتم و بعد از ۱۰سال مادرم از پدرم جدا شد. از ســـوی دیگر همسرم اجازه نمی‌داد که دنبال کارهای پدرم بروم و به‌خاطر همین مسئله از همسرم جدا شدم تا پیگیر پرونده پدرم باشم. می‌دانستم یک روز نتیجه تلاش‌هایم را می‌بینم اما همیشه وحشت این را داشتم که مبادا صبح از خواب بیدار شوم و بشنوم که قصاصش کرده‌اند. ۲۱سال بود که خواب راحت نداشتم.

یکشنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۱

شماره ۸۴۸۲ آنها قصاص می‌خواســـتند و من از زمانی که باردار بودم به‌دنبال راهی بودم تا از آنها رضایت بگیرم. در این راه خیلی هزینه کردم، ماشینم را فروختم و هرچه داشتم هزینه کردم اما فایده‌ای نداشت تا اینکه مدتی قبل آنها راضی به دریافت دیه شدند اما من پولی برای تامین هزینه دیه نداشتم. وقتی کسی جرمی مرتکب می‌شود فقط خودش اذیت نمی‌شود اطرافیانش بیشتر اذیت می‌شوند. تا اینکه پارســـال یکی از اعضای تیم صلح و سازش مستقر در دادسرای جنایی تهران با من تماس گرفت و گفت دنبال کارهای پدرت هســـتیم. گفتم واقعا پولی برایم نمانده است اما بعد متوجه شـــدم با کمک خیرین مبلغ دیه فراهم شده است و من حالا زندگی پدرم را مدیون آنها هستم.

گفت‌وگو

یاد اصحاب کهف افتادم

۲نفر از محکومانی که دیروز پس از تحمل سال‌ها حبس آزاد شـــدند داماد و برادرزن بودند. یکـــی از آنها در گفت‌وگو با همشـــهری می‌گوید که سرنوشتشان مانند اصحاب کهف می‌ماند که بعد از این همه سال قرار است به جامعه برگردند و زندگی را از سر بگیرند.

زمانی که رفتی زندان چند ساله بودی؟

حدود ۳۳یا ۳۴ساله بودم که به زندان افتادم. حالا ۵۶ساله‌ام. روزهای سختی را گذراندم. بارها دست به‌خودکشی زدم اما هربار نجاتم دادند و حالا خوشحالم که آن زمان جان سالم به در بردم.

فکر می‌کردی آزاد شوی؟

هرگز فکرش را نمی‌کردم. خیلی از روزها خســـته و ناامید بودم. دلم می‌خواست زودتر تکلیفم را مشخص کنند. ۲۱سال زمان کمی نیست. جوانی‌ام در زندان گذشت. وقتی رفتم زندان پسرم ۳ساله بود و حالا برای خودش مردی شـــده اســـت. البته خبر ندارد که من امروز آزاد شده‌ام. او سرباز است و خانواده‌ام تصمیم گرفتند او را غافلگیر کنند.

می‌خواهی چطور زندگی کنی؟

آرزوهای زیادی دارم اگر خدا عمری به من بدهد. کار می‌کنم و دوباره زندگی را از سر می‌گیرم. نمی‌دانید آزادی بعد از این همه سال چقدر دلنشین است. اینکه آزادانه در خیابان قدم بزنم، به طبیعت بروم و با خانواده‌ام وقت بگذرانم.

نخستین جایی که دلت می‌خواهد بروی کجاست؟

آرزویم این است که هرچه زودتر پسرم را در آغوش بگیرم. البته دلم می‌خواهد سر خاک پدر و مادرم هم بروم. به زیارت امام‌رضا هم بروم و از خانواده‌ام حلالیت بطلبم که این همه سال آنها هم عذاب کشیدند به‌خاطر شرایط من. نبودم که برای پسرم پدری کنم اما دلم می‌خواهد این همه سال نبودنم را جبران کنم. راستش سرنوشتم مانند اصحاب کهف است. زمانی که من زندانی شـــدم هزارتومان پول درشتی بود حالا اما هزارتومان پول خرد هم محسوب نمی‌شود. اصلا اسکناس‌ها را نمی‌شناســـم و زمان می‌برد تا همه‌چیز را بشناسم. امیدوارم خدا دستم را رها نکند همانطور که لطفش شامل حالم شد و کابوس‌هایم بعد از حدود ۲۲سال پایان یافت.

قاتل دیگری که در این پرونده از مجازات قصاص رهایی یافته است می‌گوید برای خودش سنگ قبر خریده بود و فکرش را نمی‌کردم که روزی آزاد شود.

اولین جایی که بعد از آزادی دلت می‌خواهد بروی کجاست؟

خانه خودم، پیش خانواده‌ام. (به دخترجوانی که در اتاق ایســـتاده اشـــاره می‌کند و می‌گوید:) او نوه من اســـت. وقتی به زندان افتادم دخترم تازه ازدواج کرده بودو حالا دخترش این همه قد کشـــیده و برای خودش خانمی شده است. آرزویم این است که پیش خانواده‌ام بروم و یک شب در خانه‌ام بخوابم و اگر فردا هم فوت شدم برایم مهم نیست. زمانی که زندان بودم برای خودم سنگ قبر خریدم و اصلا امید نداشتم که آزاد می‌شـــوم. حالا گوش‌هایم نمی‌شنوند و چشمانم به خوبی نمی‌بینند. پیر و شکسته شده و شرمنده خانواده‌ام هستم. اما حاضرم هر کاری انجام بدهم تا این همه سال نبودنم را جبران کنم.

می توانی با این شرایط کار کنی؟

یک خیر پیدا شـــده که قرار اســـت بـــه من کار بدهـــد و من الان زندگی‌ام را مدیون این خیرین هستم که باعث شدند رنگ آزادی را ببینم.

مرد میانجی در جریان درگیری خیابانی به قتل رسید

جنایت در کوچه خلوت

ساعت ۲بامداد دیروز درگیری ۲راننده بر سر نحوه پارک ماشین در کوچه‌ای خلوت در مشهد، منجر به یک نزاع دسته‌جمعی و قتل مردی میانسال شد که قصد خاتمه دادن به درگیری را داشت.

به گزارش همشهری، ســـاعت از ۲بامداد دیروز گذشته بود که تلفن بازپرس محمود عارفی راد، کشـــیک جنایی مشـــهد به صدا درآمد تا ماجرای یک درگیری مرگبار به او گزارش شـــود. درگیری در یکی از کوچه‌های محله گلشهر رخ داده و در جریان آن مرد ۶۰ساله‌ای بر اثر ضربه‌ای که به سرش وارد شده از هوش رفته و در نهایت به قتل رسیده بود. به‌دنبال این تماس، بازپرس جنایی و تیمی از کارآگاهان پلیـــس آگاهی راهی محل حادثه شدند. بررسی‌ها از این حکایت داشت که حدود ساعت ۲بامداد، پسر جوانی که به همراه خانواده‌اش در آن کوچه زندگی می‌کرد در حال جابه‌جایی و پارک ماشـــین در کوچه بود که در همان لحظه، مردی به همراه خانواده‌اش سوار بر یک خودروی سواری قصد عبور از کوچه را داشـــت. این مرد به‌دلیل پارک نامناسب خودروی پسر جوان نتوانست از کنار عبور کند و بر سر همین مسئله به او اعتراض کرد. این اعتراض با واکنش پسر جوان روبه‌رو و آغازگر یک مشاجره لفظی شد. طولی نکشید که برادران پسر جوان که در خانه بودند متوجه این ماجرا شدند و خودشان را به داخل کوچه رساندند. مرد راننده نیز با دیدن این صحنه گوشی موبایلش را برداشـــت و با دوستانش تماس گرفت و درخواست کمک کرد. دقایقی بعد بود که یک خودروی سواری وارد کوچه شد و چند مرد جوان به هواخواهی از راننده از آن پیاده شدند. درگیری میان این ۲گروه بالا گرفت و صدای دعوای آنها محله را پر کرد. وقتی این درگیری به زد و خورد تبدیل شد، پدر پسرانی که در آن کوچه زندگی می‌کردند وارد معرکه شد و تلاش کرد که به این دعوا خاتمه دهد. اما در همین هنگام یکی از اعضای گروه مقابل با جسمی ســـخت ضربه به سر مرد میانسال زد و او بی‌هوش روی زمین افتاد. به‌دنبال این حادثه، اعضای گروه مقابل به سرعت سوار بر خودروهای خود شدند و از آنجا فرار کردند. پسران مرد میانسال نیز با اورژانس تماس گرفتند و مرد مصدوم به بیمارستان منتقل شد اما صدماتی که دیده بود آنقدر شدید بود که جانش را از دست داد. با به‌دســـت آمدن این اطلاعات، بازپرس عارفی‌راد دستور انتقال جسد مقتول به پزشکی قانونی را صادر کرد تا علت اصلی مرگ او مشخص شود. از سوی دیگر تیمی از مأموران ماموریت یافتند در تحقیق از شاهدان و بررسی تصاویر دوربین‌های مداربســـته ضاربان را شناســـایی و آنها را دستگیر کنند.

دزدان طلافروشی در دام پلیس

یک ماه پس از سرقت مسلحانه از طلافروشی در شهرستان سامان، تلاش‌های کارآگاهان پلیس آگاهی به دســـتگیری سارقان مسلح و کشف بخشی از جواهرات مسروقه منجر شد.

به گزارش همشهری، روز ۲۹ اسفندماه سال ۱۴۰۰، ۳سارق مسلح با ورود به یک طلافروشـــی در شهرستان ســـامان، واقع در استان چهارمحال و بختیاری نقشـــه ســـرقتی را که از مدتی قبل طراحی کرده بودند، اجرا کردند. پس از فرار سارقان با کیسه‌ای پر از طلا، مرد طلافروش با پلیس تماس گرفت و از مأموران درخواست کمک کرد. او درباره جزئیات این ســـرقت گفت: پس از خروج یکی از مشتریان از مغازه، مشغول جمع کردن طلاها برای گذاشتن در گاوصندوق و تعطیل کردن مغازه بودم که یکی از ســـارقان با گرفتن گردنم که به تازگی جراحی شده بود و آتل دور آن پیچیده بودم من را ساکت کرد. همزمان همدست او که سلاح گرم داشـــت وارد مغازه شد و النگوها و گوشـــواره‌های ضخیم را جمع‌آوری کرد. آنها در کمتر از ۵ دقیقه طلاها را که ارزش آنها حدود ۹۰۰میلیـــون تومان بود، جمع آوری کرده و فرار کردند.

به‌دنبال اظهارات صاحب طلافروشی، مأموران با بررسی تصاویر ضبط شده توسط دوربین‌های مداربسته به ســـرنخ‌هایی از سارقان دست پیدا کردند. بررسی‌ها نشان می‌داد ســـارقان سابقه دار هستند و در مدتی که از زندان مرخصی گرفته‌اند دســـت به این سرقت زده‌اند. همچنین معلوم شد که آنها پس از سرقت به یکی از شهرهای همجوار گریخته‌اند. تحقیقات در این‌باره ادامه داشـــت تا اینکه سرانجام در عملیاتی ضربتی متهمان دستگیر شدند و در بازرسی از مخفیگاه‌شان مقداری از جواهرات مسروقه کشف شد. سردار منوچهر امان‌اللهی، فرمانده انتظامی چهارمحال و بختیاری در این‌باره گفت: از مخفیگاه اعضای این باند مقادیری از طلاهای مسروقه، تجهیزات ذوب طلا به همراه ۲ قبضه اسلحه جنگی، بیش از ۱۰ قبضه سلاح سرد و... جمعا به ارزش ۵ میلیارد ریال کشف شد و ۳ نفر از اعضای این باند سرقت دستگیر و روانه زندان شـــدند. وی ادامه داد: سارقان سوابق متعدد سرقت داشته و سردسته این باند در ایام مرخصی از زندان به همراه همدستانش این سرقت را انجام داده است.

انهدام باند مخوف جعل اسناد

رئیس پلیس مهاجرت و گذرنامه سازمان اطلاعات انتظامی کشور از شناسایی و انهدام شبکه ۱۹ نفره جعل مهرهای دولتی و اسناد هویتی و مسافرتی خبر داد.

به گزارش پلیس، ســـردار علی ذوالقدری گفت: این شبکه ۱۹ نفره که متشکل از ۴ نفر سر شبکه و ۱۵ نفر اعضای عادی بودند و برخی اتباع خارجی نیز در آن حضور داشـــتند به‌صورت گسترده در بیش از ۶استان کشور فعالیت غیرقانونی خود را دنبال می‌کردند. آنها با درج آگهی در سایت‌های معروف و همچنین معرفی خود با عناوین دولتی و نظامی طعمه‌هایشان را فریب می‌دادند و مدعی می‌شدند که به راحتی می‌توانند برای آنها مدارک و اسناد هویتی و مسافرتی بگیرند. این افراد با همکاری برخی آژانس‌های مسافرتی متخلف، از طعمه‌هایشان مبالغ هنگفت دریافت می‌کردند و سپس به آنها مدارک و اسناد جعلی می‌دادند. وی افزود: اکثر اعضای این شبکه گسترده در سطح کشور و رابطان آنها شناسایی و دستگیر شدند و در بازرسی از مخفیگاه‌های آنان مقادیر قابل توجهی امکانات و تجهیزات فنی، مهر، اسناد، گذرنامه و ... کشـــف و ضبط و دو آژانس گردشگری و یک واحد صنفی ساخت مهر با هماهنگی قضایی پلمب شد و در ادامه، تحقیقات از متهمان برای شناسایی سایر عوامل ادامه دارد.

کوتاه از حادثه

کلاهبرداری با فروش عتیقه‌های قلابی

مردی که در فضای مجازی خـــود را جوینده گنج معرفی می‌کرد و عتیقه‌های قلابی را به قیمت بالایی به مشتریانش می‌فروخت دستگیر شد.

به گزارش همشـــهری، ســـرهنگ بهزاد عبدیان، فرمانده انتظامی شهرستان پردیس با بیان این خبر گفت: مأموران پلیس فتا پردیس در جریان بررســـی‌های تخصصی و رصد فضای مجازی متوجه فردی شدند که اقدام به فروش اشیای عتیقه می‌کرد. این فرد مدعی بود عتیقه‌هایی که در اختیار دارد ارزش تاریخی دارند و از این طریق توانسته بود مشتریانی در جریان حفاری مناطق تاریخی به‌دست آورد. وی ادامه داد: در جریان تحقیقات انجام شده معلوم شد همه عتیقه‌هایی که این مرد به فروش می‌رســـاند تقلبی بودند و هیچ ارزشی نداشتند. در این شـــرایط دستور بازداشـــت او صادر شد و مأموران موفق شدند وی را شناسایی و دستگیر کنند. به‌گفته سرهنگ عبدیان، در بازرسی منزل این فرد تعدادی اشیای قیمتی کشف وضبط شـــد اما وقتی در اختیار کارشناسان میراث فرهنگی قرار گرفت معلوم شـــد که همه آنها کاملا تقلبی بوده و هیچ‌گونه قدمت تاریخی ندارند. این در حالی بود که متهم قصد فروش آنها به مبلغ ۱۵۰میلیون تومان در فضای مجازی را داشت. فرمانده انتظامی شهرستان پردیس تأکید کرد: متهم بعد از تشـــکیل پرونده برای انجام مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شد.

نجات مادر و کودکان خردسال از دود و آتش

آتش‌نشانان در عملیاتی سخت و نفس‌گیر جانِ مادری را که همراه ۲فرزند خردســـالش در میان دود و آتش گرفتار شده بودند نجات دادند.

به گزارش همشهری، ساعت ۱۰:۵۸ صبح دیروز (چهارشنبه) به آتش‌نشانی تهران خبر رسید که خانه‌ای در منطقه نظام آباد دچار آتش‌سوزی شده است. بلافاصله گروهی از آتش‌نشانان خود را به محل حادثه که ســـاختمانی ۳طبقه بود رساندند و عملیات اطفای حریق آغاز شد. سیدجلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران در این‌باره گفت: آتش‌نشانان در مدت زمان دو دقیقه به محل رسیدند و مشاهده کردند که آتش‌سوزی در ساختمانی ســـه طبقه رخ داده که کانون آتش در طبقه اول و یک واحد ۷۰متری است. اتاق خواب این واحد کاملا شعله ور شده و آتش در حال سرایت به اطراف بود. دود بسیار غلیظی این واحد را فرا گرفته و به راه پله‌ها نیز نفوذ کرده بود. ملکی ادامه داد: در طبقه سوم چند نفر در وضعیت ناایمن گرفتار شده بودند که آتش‌نشانان همزمان با خاموش کردن آتش به طبقه آخر رفته و پس از ایمن‌سازی آنها را که شامل دو دختر ۲ و ۶ ساله و مادرشان بودند نجات داده و به محل امن منتقل کردند. به‌گفته سخنگوی آتش‌نشانی این عملیات با مهار کامل آتش‌سوزی و ایمن‌سازی محل به پایان رسید.

آزادی ۳گروگان در عملیات ویژه پلیس

۳مرد جوان که در ۲ماجرای جداگانه توســـط مردان مسلح ربوده شـــده بودند با تلاش مأموران پلیس در عملیات ویژه نجات پیدا کردند.

به‌گزارش همشهری، نخستین گروگانگیری در شهرستان سرباز واقع در اســـتان سیستان و بلوچســـتان اتفاق افتاد. ماجرا از ایـــن قرار بود که به مأموران پلیس خبر رســـید که مردان مســـلح ۲مرد جوان را در جاده فرعی ســـرباز- کافه بلوچی ربوده‌اند. آنطور که تحقیقات مقدماتی نشان می‌داد افراد ربوده شـــده ۲جوان ۳۰ و ۳۱ســـاله بودند که سوار بر یک خودروی وانت نیســـان در حال حرکت در جاده بودند که ناگهان ۲سرنشـــین یـــک خودروی پژو۴۰۵ که ســـر و صورت‌شان را پوشانده و مسلح بودند شـــروع به تیراندازی به‌ســـوی آنها کردند. در این شـــرایط دو مرد جوان به ناچار خودروی‌شان را متوقف کردند و مردان مسلح آنها را با تهدید سوار خودروی خود کرده و ربودند. آنطور که شاهدان عینی می‌گفتند مردان مســـلح خیلی زود از آنجا گریختند و هیچ ردی از خود به جا نگذاشته بودند.

به‌دنبال اعلام این خبر تحقیقات گسترده‌ای برای شناسایی هویت آدم‌ربایان آغاز شـــد. چند ســـاعت می‌گذشـــت که کارآگاهان پلیس به اطلاعاتی درباره مردان مســـلح دست یافتند و پی بردند کـــه آنها به‌دلیل اختلافـــات طایفه‌ای و تسویه حساب شخصی دســـت به این کار زده‌اند. مأموران در ادامه پی‌بردنـــد که آدم‌ربایان ۲ مرد جـــوان را به یکی از روستاهای اطراف سرباز منتقل و در آنجا زندانی کرده‌اند. در این شرایط بود که در عملیاتی ضربتی گروگان‌ها آزاد شدند و گروگانگیران که پیش از حضور پلیس گریخته بودند تحت تعقیب قرار گرفتند.

دومین پرونـــده گروگانگیری که مأمـــوران پلیس آگاهی سیستان و بلوچستان در آن موفق بودند به ماجرای ربودن مرد جوانی در یکی از محله‌های شهرســـتان تفتان مربوط می‌شود. ۲سرنشین یک خودروی پژو۴۰۵ با تهدید سلاح گرم این مرد ۳۱ســـاله را با تهدید از مقابـــل خانه‌اش ربوده بودند. با اعلام این خبر، گروهی از مأموران تحقیقات ویژه‌ای را در این خصوص آغاز کردند. آنهـــا در همان مراحل اولیه موفق شدند هویت آدم‌ربایان را شناسایی کنند. شواهد نشان می‌داد که آدم‌ربایان از مدتی قبل با جوان ربوده شده دچار اختلاف شده بودند و همین اختلافات باعث شد تا آنها دست به آدم‌ربایی بزنند. در شرایطی که ۲روز از وقوع این آدم‌ربایی گذشته بود مأموران موفق شـــدند مخفیگاه آدم‌ربایان را در یکی از مناطق کوهستانی اطراف تفتان شناسایی کرده و در شرایطی که آدم‌ربایان فرار کرده بودند جوان ربوده شده را نجات دادند.

سردار احمد طاهری، فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان با اعلام جزئیات این دو پرونده آدم‌ربایی گفت: با وجود آزادی افراد ربوده شـــده در دو پرونده، تحقیقات برای دستگیری آدم‌ربایان ادامه دارد.